

واژه «شیطان» در ادبیات انقلاب اسلامی و کلام امام خمینی (ره)

دکتر محمدحسین توانایی^۱، حسین رفیعی^۲

چکیده

شیطان پیوسته به عنوان نیروی شرور، پلید، خبیث، موجودی سرکش و وسوسه‌گر کاربرد دارد. اما «ابلیس» نام خاص همان موجودی است که با وسوسه‌های خود، آدم علیه‌السلام را از بهشت بیرون نمود. پس «شیطان» یک اسم عام است که فرد بارز آن همان ابلیس با ذریه و اعوان و انصار فراوان است، البته در اصطلاح به همه آنها شیطان یا شیاطین گفته می‌شود. بدترین صفت رذیله شیطان، کبرورزی و استکبار است. تمام گناهان و تجاوز به حقوق دیگران هم از استکبار منشأ می‌یابد. اما استکبار همیشه فردی نیست، بلکه گاهی رفتار یک دولت و یا گروهی از دولت‌ها با یک دولت و یا مردمان یک سرزمین می‌تواند از روی غرور و تکبر باشد. واژه «استکبار» و «استکبار جهانی» در دنیای سیاست، اولین بار توسط امام خمینی (ره) به کار برده شد و از این پس بود که در زمره واژگان سیاسی انقلاب اسلامی قرار گرفت. از بررسی مجموعه آثار امام خمینی (ره) می‌توان به دست آورد که ایشان واژه «شیطان بزرگ» را نیز بارها و بارها - چه در آثار مکتوب و چه در بیانات و سخنرانی‌ها - به کار برده‌اند، اما در این میان دو کاربرد اعتقادی و سیاسی را در نظر داشته‌اند. هرگاه بحث مطالب اخلاقی، کلامی، قرآنی و اعتقادی بوده، ایشان منظور از شیطان بزرگ را ابلیس و گاهی هم نفس اماره می‌دانند و هرگاه خواسته‌اند در مطالب سیاسی از این واژه مرکب استفاده نمایند آمریکا مد نظرشان بوده است، و با توجه به این که امام خمینی پیوسته به سیاست دینی اعتقاد داشتند، لذا در فرمایش‌های سیاسی خویش نیز از مکر شیاطین به ویژه شیطان بزرگ غافل نبوده و ام‌الفساد را معرفی کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: شیطان، ابلیس، شیطان بزرگ، آمریکا، انقلاب اسلامی، امام خمینی.

۱) عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج
 ۲) مدیر گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد دندانپزشکی rafieihos@gmail.com

مقدمه

در طول تاریخ، شیطان به عنوان موجودی که از دیده‌ها پنهان است، اما دارای وجود خارجی است، در مقابل انسان و زندگی آدمیان خودنمایی کرده و پیوسته به عنوان نیرویی شرور و ضد الهی در گمراه نمودن مسیر آدمی قد علم نموده است. تمامی انسان‌ها بر این باورند که شیطان، موجودی است موذی، منحرف کننده، طاغی و سرکش، که به شکل‌های مختلف ظاهر شده و در صدد آسیب‌رسانی به انسان است. انسان‌ها در جوامع گوناگون برای مقابله با این موجود شرور، دو روش در پیش گرفته‌اند. گروهی در پناه خداوند متعال به مبارزه با او پرداخته‌اند و گروهی دیگر از ترس آسیب‌های شیطان در مقابلش زانو زده و کرنش می‌کنند.

در دنیای سیاست نیز، شیطان وجود دارد و پیوسته در صدد تأمین امیال و اغراض خویش است، در این میان فرهیختگانی هستند که مکر او را شناخته و در صدد مقابله با او هستند. امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران، به خوبی مکر شیطان سیاست یعنی آمریکای جهانخوار را شناخت و لقب «شیطان بزرگ» را به آن داد تا برای همیشه در تاریخ ماندگار باشد و مستضعان جهان با به کار بردن آن، عمق تنفر خود را از این جرثومه فساد اعلام دارند.

واژه‌شناسی شیطان و ابلیس

شیطان واژه‌ای اصیل در زبان عربی است، عرب ابتدا به ریسمانی که با آن از چاه آب می‌کشیدند، شطن می‌گفتند، سپس این معنا تعمیم یافته و به هر ریسمان یا موردی که در ظاهر مشابه آن بود، شطن اطلاق می‌شده است. در این اطلاق‌ها گاهی اشتقاق هم صورت گرفته و شطن با افزوده شدن یک یا چند حرف به واژه‌ای دیگر تبدیل شده است. از جمله این اشتقاق‌ها لفظ شیطان است که به مار اطلاق شده و وجه تسمیه آن با ریسمان، اولاً طولانی بودن اندازه آن است، و ثانیاً این‌که ریسمان چاه برای این‌که پاره نشود، آن را پیچ می‌دادند و گره‌های زیادی به آن می‌زدند و مار نیز چون به دور خود حلقه می‌زده و معمولاً طول درازی دارد، بدین لفظ یاد می‌شد. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲ق: ۸۷)

«ابلیس» نام خاص موجودی است که رو در روی خدا ایستاد و نافرمانی کرد و در برابر آدم علیه السلام سجده نکرد و با وسوسه‌های خود او را از بهشت بیرون نمود. ولی «شیطان» یک اسم عام است که فرد بارز آن همان ابلیس می‌باشد که دارای ذریه و اعوان و انصار فراوان است؛ ولی در اصطلاح به همه آن‌ها شیطان یا شیاطین گفته

می‌شود و در معانی پلید، خبیث، پست، موجودی سرکش، متمرّد، نافرمان و وسوسه‌گر کاربرد دارد و به هر چیز مرموز، موذی و آزار دهنده گفته می‌شود. هم چنین به معنی منحرف و منحرف کننده، یاغی و طاغی، شریر و شرارت کننده، دور بودن و دور شدن از حق و حقیقت، دور شدن از رحمت و مغفرت الهی، بدخوی و سخت دل، بدجنس و بد ذات و ناپاک، هلاک شده و هلاک شونده آمده است. این معانی و صفات در انسان باشد یا در جن، در چهار پایان باشد یا وحوش، خزندگان و غیره همه این‌ها از معانی و مصادیق شیطان است، همان گونه که در آیات زیر آمده است:

وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ. (بقره/۱۴)

و منافقان چون با شیاطین خود خلوت می‌کنند، می‌گویند ما با شما هستیم.
وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ. (انعام/۱۱۲)
و هم چنین برای هر پیامبری دشمنی قرار دادیم از شیطان‌های انس و جن.

کاربرد «شیطان» در قرآن

در میان ادیان و اقوام مختلف، اسم‌ها، لقب‌ها، ویژگی‌ها و صفات گوناگونی برای شیطان به کار برده شده است که همگی آن‌ها دلالت بر ذات خبیث این موجود دارد. ابلیس در قرآن، نماد بزرگترین شرّ و جلوه تمرد و کفران نعمت است که نافرمانی او نسبت به آفریدگار خود و لعن خدا بر او و طرد شدن او از بهشت و آسمان‌ها در ضمن آیات متعدد بیان شده است. قرآن، ابلیس را به صراحت موجودی حقیقی معرفی می‌کند که آدمیان را به شر و معصیت فرا می‌خواند و هشدار می‌دهد که این موجود تنها در میان یک گروه، جماعت و یا در یک قشر، و یک لباس خاصّ نیست بلکه در میان تمام جنّ و انس وجود دارد. (الناس/۶) او لشکریان زیادی از جنس جنّ و انس دارد و نام شیطان بر همه آن‌ها اطلاق می‌شود، بلکه گاهی در میان شیاطین انسی افرادی پیدا می‌شوند که از شیاطین جن بدترند. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که به ابوذر فرمود:

هَلْ تَعَوَّذْتَ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ؟

آیا از شر شیاطین جنّ و انس به خدا پناه برده‌ای؟ عرض کرد آیا شیاطینی از انسان‌ها نیز وجود دارد؟ حضرت فرمود:

نَعَمْ هُمْ شَرٌّ مِنَ شَيَاطِينِ الْجِنِّ. (فخررازی، ۱۳۸۵: ج ۱۳/۱۵۴)

بله آن‌ها از شیاطین جن بدترند.

ابلیس به هنگام رانده شدن از بارگاه الهی درخواست نمود قدرت و اجازه فریب دادن و گمراه ساختن انسان به او عطا شود. این درخواست در مقابل طرد و نفرین ابدی و به پاداش عبادت‌های چندین هزار ساله او مورد اجابت واقع گردید. بدیهی است که

ابلیس به تنهایی قادر به اضلال همه آدمیان نبود از این رو فرزندان و یارانی برای خود به وجود آورد که لشکریان او محسوب می‌شوند. در آیات قرآن، واژه ابلیس که بزرگترین مظهر شرّ و ابوالشیاطین و دشمن و ملعون خداست، یازده بار ذکر شده و لفظ شیطان اعمّ از مفرد و جمع هشتاد و هشت بار به کار رفته است.

وجود ابلیس که ریشه در آتش دارد، این امکان را برایش فراهم کرده است تا انسان را ببیند؛ در حالی که دیده نشود. از این روست که قرآن به اشکال مختلف و در آیات متعددی به این دشمن پرداخته و شیوه‌ها و روش‌های او را تحلیل و تبیین نموده تا انسان با بهره‌گیری از آموزش‌ها و توانایی‌هایی که در ذاتش سرشته و امانت نهاده شده است، خود را از شرّ و آسیب‌های او در امان نگه دارد. کلمه شیطان در قرآن به سه صورت استعمال شده است:

۱. مفرد «شیطان» بدون الف و لام؛ شش بار ذکر شده که در بیشتر موارد، مقصود ابلیس می‌باشد. گاهی هم شامل هر فردی از شیاطین جن و انس می‌شود، مثل این آیه: *وَ مَنْ يَعُشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ تَقِيضُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ*. (زخرف/۳۶) و هر کس از یاد خدای رحمان دل بگرداند، بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد.

۲. مفرد «الشیطان» همراه با الف و لام؛ شصت و چهار بار بیان شده که غالباً به معنی خاص یعنی ابلیس آمده است، مثل آیه شریفه: *يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ*. (اعراف/۲۷) ای فرزندان آدم، شیطان شما را فریب ندهد، چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند.

و در برخی موارد نیز به معنای عام آمده است، مثل این آیه شریفه: *الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ*. (بقره/۲۶۸) شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد. در این جا الف و لام در معنای جنس عام به کار رفته است؛ چون ترساندن از فقر و دعوت به عمل خلاف شرع گاهی از طرف شیطان انسانی نیز صورت می‌پذیرد.

۳. «شیاطین» به صورت جمع؛ هجده بار ذکر شده و این نشانگر آن است که شیطان مصادیق متعدد و مختلفی دارد در حالی که اگر کلمه شیطان اسم برای فرد خاص ابلیس بود، به صورت مفرد می‌آمد. علاوه این که در برخی از آیات بعد از کلمه شیاطین به اختلاف جنس شیطان‌ها نیز اشاره می‌کند، مانند آیه شریفه: *وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ*. (انعام/۱۱۲) و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان‌های انس و جن برگماشتیم.

روی هم رفته، مقصود از واژه «شیطان» در قرآن، چنانچه به صورت مفرد معرفه یعنی «الشیطان» به کار رفته باشد، «ابلیس» است، مگر این که قرینه‌ای بر خلاف باشد و در بیشتر موارد، مقصود از مفرد نکره، یعنی «شیطان» نیز ابلیس می‌باشد و صیغه جمع آن، یعنی «شیاطین» نیز ابلیس را که یکی از مصادیق روشن است، فرا می‌گیرد. (شبستری، ۱۳۷۴: ۸۳)

در قرآن کریم برای شیطان اوصافی هم ذکر شده که به خوبی این موجود وسوسه‌گر و مکار را معرفی می‌کند؛ ما اینک با توجه به آیاتی که در این زمینه وجود دارد بعضی از مشخصات شیطان را ذکر می‌کنیم و برای هر کدام شاهی از قرآن می‌آوریم:

۱. شیطان دشمن آدم و فرزندان اوست:

ابلیس آشکارا اعلام داشته که با آدم علیه‌السلام و فرزندان وی دشمن است:
 إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ. (یوسف/۵)
 همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است.

۲. شیطان اغواگر و گمراه کننده است و به هیچ وجه حاضر به دست برداشتن از دشمنی خویش با انسان نیست و تا آنان را به گمراهی و بدبختی نکشاند، دست برنمی‌دارد:
 يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتَهُمَا إِنَّهُ يَرَآكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ. (اعراف/۲۷)

ای فرزندان آدم، زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد؛ چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند، و لباسشان را از ایشان برکند، تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت او و قبيله‌اش شما را از آنجا که آن‌ها را نمی‌بینید می‌بینند.

۳. شیطان برای رسیدن به این مقصد، تا قیامت تلاش می‌کند که مردم را گمراه کند، ولی خداوند به وی مهلت داده تا زمانی معین این امکان را داشته باشد:
 قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ، قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ، إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. (ص/۸۱)

گفت: پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت ده. فرمود: در حقیقت، تو از مهلت‌یافتگانی، تا روز معین معلوم.

۴. دشمنی شیطان، خاص فردی نیست؛ بلکه عموم بشریت را شامل می‌شود و در حقیقت ابلیس سوگند خورده است تا همه بشر را گمراه سازد و از اطاعت و پیروی خدا باز دارد:

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. (ص/۸۲)

شیطان گفت: پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می‌برم.

۵. تنها گروه بسیار اندکی هستند که فریب نمی‌خورند:
 لِأَزِيْنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ. (حجر/۳۹)

و (۴۰)

من گناهانشان را در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان خالص تو از میان آنان را.

۶. قرآن از دوستی انسان با ابلیس که دشمن آشکار انسانی است، پرهیز داده است: **أَفْتَنَّاكَ مِنْ دُورَتِهِ وَأُولِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا**. (کهف/ ۵۰) آیا او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید، و حال آنکه آن‌ها دشمن شمايند؟ و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند.

۷. وعده‌های شیطان فریب و فقر است: **يَعِدُّهُمْ وَيُمَيِّبُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا**. (نساء/ ۱۲۰) شیطان به آنان وعده می‌دهد، و ایشان را در آرزوها می‌افکند، و جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد.

۸. شیطان کارهای زشت را در نظر انسان خوب جلوه می‌دهد: **وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ**. (نمل/ ۲۴) و شیطان اعمال آن‌ها را در نظرشان زینت داد پس آن‌ها را از راه حق باز داشت.

۹. شیطان امر به فحشاء و گناه می‌کند: **يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ**. (بقره/ ۲۶۸) شما را به فحشاء امر می‌کند.

۱۰. هر چند که شیطان حيله‌گر و مکار است ولی کید او ضعیف است: **إِنْ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا**. (نساء/ ۷۶) همانا نیرنگ شیطان ضعیف است.

۱۱. شیطان باعث فراموشی می‌شود: **فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ**. (یوسف/ ۴۲)

شیطان ذکر ربش را از یاد او برد.

۱۲. شیطان ذریه دارد و زاد و ولد می‌کند: **أَفْتَنَّاكَ مِنْ دُورَتِهِ وَأُولِيَاءَ مِنْ دُونِي**. (کهف/ ۵۰) آیا او (شیطان) و ذریه او را اولیاء خود قرار می‌دهید.

آنچه بر شمردیم تنها نمونه‌هایی بود از مشخصات و ویژگی‌های شیطان که در قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است. با تتبع و پی‌گیری آیات مربوط به شیطان مشخصات دیگری هم می‌توان به دست آورد.

کبر و استکبار

اولین و بدترین صفت رذیله‌ای که قرآن در باره شیطان ذکر می‌کند، تکبر و خود

بزرگ‌بینی است. کبر در برابر حق، شیطان را از سجده بر آدم بازداشت و او را به لعنت ابدی و خروج از حریم فرشتگان و استحقاق عذاب دائم قیامت دچار کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
 أَيَاكُمْ وَالْكِبْرِ، فَإِنَّ إِبْلِيسَ حَمَلَهُ الْكِبْرُ عَلَى تَرْكِ السُّجُودِ لِأَدَمَ. (دیلمی، ۱۳۷۶: ج ۱/۱۷۹)
 از کبر ورزیدن بهره‌یازید، همانا این صفت زشت، ابلیس را بر آن داشت که بر خلاف دستور حق به آدم سجده نکند.

در منابع دینی و آثار علما و به استناد آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، کبر به عنوان «ام الفساد» و «اساس الکفر» خوانده شده است.

راغب اصفهانی در تعریف کبر گفته است: و آن حالتی است که شخص بر اثر خودپسندی، خویش را برتر از دیگران ببیند. (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲ق: ۴۲۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تعریف تکبر فرمود:
 الْكِبْرُ أَنْ تَتْرَكَ الْحَقَّ وَ تَتَجَاوَزَهُ إِلَى غَيْرِهِ وَ تَنْظُرَ إِلَى النَّاسِ وَ لَا تَرَى أَنَّ أَحَدًا عَرَضُهُ كَعَرَضِكَ وَ لَا دَمَهُ كَدَمِكَ. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۲/۷۴)

تکبر آن است که حق را رها کنی و از حق به غیرش تجاوز نمایی [به این صورت که] به مردم نگاه کنی، ولی آبروی هیچ کسی را مانند آبروی خود [مهم] ندانی و خون او را مانند خون خود ندانی.

قرآن مجید اهل استکبار را از حریم محبت خدا خارج دانسته، و این طایفه را مبعوض و منفور حق معرفی می‌کند:

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ. (نحل/۲۳)

همانا خداوند اهل تکبر را دوست ندارد.

و گرفتاران به کبر و دارندگان روحیه استکباری را مستحق عذاب دردناک قیامت می‌داند:

الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا وَ اسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. (نساء/۱۷۳)

آنان که از بندگی خدا امتناع کردند، و آلوده به کبر و خودپسندی شدند، و نسبت به عبادت حق تکبر ورزیدند، خداوند آنان را به عذاب دردناک معذب خواهد کرد.

علی علیه السلام هم می‌فرماید:

أَيَاكُم وَالْكِبْرِ، فَإِنَّهُ أَكْبَرُ الذُّنُوبِ، وَالْأَمُّ الْعُيُوبِ، وَهُوَ حَلِيَّةُ إِبْلِيسَ. (غررالحکم: ۳۰۹)

از کبرورزی بهره‌یاز، که اعظم گناهان و پست‌ترین عیب‌هاست، کبر زینت ابلیس است. اندیشمندان اسلامی تکبر را به سه قسم تقسیم کرده‌اند:

۱. تکبر گاهی در مقابل خداوند است، مانند تکبر ورزیدن ابلیس در مقابل فرمان خداوند که فرمود بر آدم علیه‌السلام سجده کنید ولی او استنکاف نمود.

۲. گاه در مقابل انبیا و پیامبران است، مانند آنچه فرعونیان می‌گفتند:

أَتَوْعْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا. (مومنون/۴۷)

آیا ما به دو انسان (موسی و هارون) که همانند خودمان هستیم، ایمان بیاوریم؟! و یا قوم نوح علیه‌السلام که به یکدیگر می‌گفتند: وَ لَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ. (مومنون/۳۴) و اگر از بشری همانند خودتان (نوح علیه‌السلام) اطاعت کنید، به یقین زیانکارید. ۳. و گاه تکبر در برابر بندگان دیگر خداست که مثال‌های فراوانی برای آن متصور است.

استکبار در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی

اما استکبار همیشه فردی نیست، بلکه گاهی رفتار یک دولت و یا گروهی از دولت‌ها با یک دولت و یا مردمان یک سرزمین می‌تواند از روی غرور و تکبر باشد. واژه «استکبار» در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی توسط امام خمینی (ره) اولین بار در تاریخ دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ و پس از شرکت پرشور و گسترده مردم ایران در همه‌پرسی جمهوری اسلامی به کار برده شد، ایشان در پیامی که به همین مناسبت، فرمودند: «خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است در هم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و پیشوای ملت‌های مستضعف نمود، و با برقراری جمهوری اسلامی، وراثت حقه را بدانان ارزانی داشت. من در این روز مبارک، روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت، جمهوری اسلامی ایران را اعلام می‌کنم.»

از این پس بود که واژه استکبار در زمره واژگان سیاسی انقلاب اسلامی قرار گرفت و پس از آن بارها و بارها توسط امام و دیگران به کار رفت. امام، گاهی مصداق را هم برای این واژه به کار می‌بردند، مثلاً در یکی از سخنرانی‌های خویش فرمودند:

«این طبقه‌ای که آن بالانشین‌ها این‌ها [مستضعفین] را پست می‌شمردند؛ می‌گفتند: طبقه پایین. منطق مستکبرین همین بود که استکبار [می‌کردند] تکبر می‌فروختند بر جامعه؛ ملت ما را طبقه پایین حساب می‌کردند. بالا کی بود؟ آقای «آریامهر» و آن دستجات خودش! آن‌ها بالاها بودند؛ و همه شما را و همه ما را و همه ملت را حساب نمی‌آوردند.» (صحیفه امام، ج ۶: ۴۵۴)

و گاهی بدون ذکر مصداق و به طور عام به کار برده‌اند:

«سلام بر همه مسلمین جهان که پیامبر عظیم‌الشأن و خاتم نبیین، پیامبر آنان و قرآن کریم کتاب آنان و کعبه معظمه قبله آنان است. سلام بر آنان که از همه اقسام شرک رو برگرداندند و به سوی مرکز توحید رو آوردند، و از قید عبودیت و اطاعت همه بت‌های جهان، مراکز استکبار و استعمار و قدرت‌های شیطانی رها و به قدرت مطلقه

الهی و حبل‌المتین توحید پیوستند.» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۰۷)

دولت ایالات متحده آمریکا که از آغاز سده نوزدهم میلادی و به ویژه در دوران پس از جنگ دوم جهانی غارت و چپاول دولت‌های دیگر را در رأس سیاست‌های دستگاه دیپلماسی خود قرار داده بود اقدامات فراوانی را برای سرکوب نهضت تاریخی ملت شیعه ایران چه در دوران قبل و چه در دوران پس از انقلاب اسلامی و تا به امروز انجام داده است و می‌دهد. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی معادلات سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای و داخلی را بر هم زد و منافع آمریکا در ایران و منطقه را شدیداً مورد تهدید قرار داد، در نتیجه سیاست خارجی آمریکا در سه حوزه استراتژیک نظام بین‌الملل، نظام منطقه‌ای خاورمیانه و حوزه جغرافیای سیاسی ایران، دچار فروریختگی شد. پیروزی انقلاب اسلامی و بیداری مسلمانان در سراسر جهان فصل جدیدی از تقابل اسلام و غرب را آغاز نمود، (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۲) تقابلی که در یک سر آن ایران و در سر دیگر آمریکا قرار دارد. دولت‌های مختلف آمریکا قبل و بعد از انقلاب اسلامی اقدامات بسیاری را در راستای ضربه زدن به حرکت انقلابی مردم ایران ترتیب دادند، رفتار دولتمردان آمریکا با مردم ایران در تمامی ایام مملو از رفتار استکباری بود. تمامی صفاتی که در آیات قرآنی و روایات ائمه اطهار درباره مستکبرین آمده و ما در صفحات قبل به آنها اشاره نمودیم، دقیقاً در رفتار سیاستمداران آمریکایی در مورد مردم ایران و بلکه مردم سراسر جهان مشاهده می‌شود، لذا امام خمینی تنها یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، واژه «استکبار جهانی» را به کار بردند و منظورشان را واضح بیان داشتند:

«استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی به سرکردگی آمریکای جهانخوار تمام نیروهای خود را برای سرکوبی انقلاب‌های اسلامی و ملل استقلال طلب و آزادیخواه جهان بسیج کرده و آشکارا سرزمین‌های اسلامی را به نوکران سرسپرده خود مانند اسرائیل غاصب واگذار می‌کند.» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۵۳)

و پس از این بود که در بیانات و مکتوبات خویش، غالباً به جای استکبار از واژه مرکب «استکبار جهانی» استفاده می‌کردند و دولت آمریکا و کشورهای سلطه‌گر غربی را در زمره مستکبرین می‌شمردند که در مقابل مستضعفین قرار گرفته‌اند:

«هوشیاری مردم در وضع فعلی یکی از عوامل پیروزی آنان بر باطل است. و مردم تصور نکنند ایادی نفوذی استکبار و آمریکا دست از شیطنت برداشته‌اند، در هر جا و در هر مقوله‌ای احتمال حضور و کارشکنی آنان هست.» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۳۳)

منتهی استکبار منحصر در همین دولت‌ها نیست، بلکه امام تمامی سلطه‌طلبان شرقی و غربی را مستکبر می‌داند:

«امروز روز مقاومت است. چنان بر صدام و آمریکا و استکبار غرب سیلی زدید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند.» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۲)

و یا فرموده‌اند:

«امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیت‌های دینی و سیاسی را از یک طرف و نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام آمریکایی را از طرف دیگر به آزمایش گذاشته‌اند. ای کاش همه تجاوزات جهانخواران همانند تجاوز شوروی به کشور مسلمان و قهرمان‌پرور افغانستان علنی و رودررو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغین غاصبین را در هم می‌شکستند؛ ولی راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد.» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۲۰) و نیز:

«باید با دقت تمام کُیّد و فریب استکبار شرق و غرب را شناخت و خنثی نمود.» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۲۱)

و نیز گاهی «استکبار جهانخوار» گفته‌اند:

«در راه بسیج توده‌های مظلوم و مستضعف جهان بر ضد استکبار جهانخوار تا قطع طمع آنان نه تنها از کشورهای اسلامی که از همه ممالک تحت ستم جهان...» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۰۵)

و صد البته با تکیه به آموزه‌های دینی، همه قدرت استکبار را پوشالی می‌بینند: «مسلمانان از هیاهو و طبل‌های تو خالی و تبلیغات ظالمانه نهراسند که کاخ‌ها و قدرت‌های نظامی و سیاسی استکبار جهان، همانند لانه عنکبوت سست و در حال فرو ریختنند.» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۱۹)

از مجموع بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی استنباط می‌شود که استکبار جهانی توطئه‌های زیر را در مورد مسلمانان و آزادگان جهان و به ویژه مردم انقلابی ایران روا داشته است:

۱. توطئه روحانیت زدایی.
 ۲. توطئه انقلاب زدایی.
 ۳. توطئه تهاجم فرهنگی.
 ۴. توطئه ترور شخصیت‌ها.
 ۵. توطئه اختلاف برانگیزی بین اقوام و ملل مسلمان.
 ۶. توطئه اسلام زدایی و تبلیغ جدایی دین از سیاست.
- امام، همراه با واژه عام «استکبار» از واژه «شیطان» هم برای معرفی مستکبرین استفاده کرده‌اند:

«استکبار از همه کمینگاه‌های سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تا کنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملت‌ها نشان داده است. جهانخواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن

نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم. و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنیم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید.» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۸۹)

بلکه استکبار را لشکر شیطان می‌دانند:

«استکبار از جنود جهل و شیطان و از لوازم فطرت محجوبه است.» (شرح حدیث جنود عقل و جهل: ۳۹۹)

شیطان بزرگ در کلام امام خمینی

از بررسی مجموعه آثار امام خمینی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌توان به دست آورد که ایشان واژه شیطان بزرگ را بارها و بارها - چه در آثار مکتوب و چه در بیانات و سخنرانی‌ها - به کار برده‌اند، اما در این میان دو کاربرد اعتقادی و سیاسی را در نظر داشته‌اند. هرگاه بحث مطالب اخلاقی، کلامی، قرآنی و اعتقادی بوده ایشان منظور از شیطان بزرگ را ابلیس و گاهی هم نفس اماره می‌دانند و هرگاه خواسته‌اند در مطالب سیاسی از این واژه مرکب استفاده نمایند آمریکا مد نظرشان بوده است؛ و با توجه به این که امام خمینی پیوسته به سیاست دینی اعتقاد داشتند، لذا در فرمایشات سیاسی خویش نیز از مکر شیاطین به ویژه شیطان بزرگ غافل نبوده و ام‌الفساد را معرفی کرده‌اند. در این بخش لازم است با نقل عبارات آن بزرگوار به بررسی بیشتر این کاربردها پردازیم.

شیطان بزرگ همان ابلیس است

ابتدا بعضی از جملات آن بزرگوار که منظور از شیطان بزرگ را ابلیس می‌دانند:

«...بزرگتر از همه شیطان‌ها - حتی از این شیطان بزرگ معروف - این شیطان نفس اماره خود آدم است.» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۹۹)

در این جمله هر چند نفس اماره را شیطانی بزرگتر از شیطان بزرگ یعنی ابلیس می‌دانند، اما دقیقاً منظور خود را از این واژه بیان فرموده‌اند، و یا در کتاب تقریرات فلسفه می‌گویند:

«تو گمان می‌کنی که شیطان ما همان است که حضرت آدم را از بهشت بیرون کرد، ما قابل توجه آن شیطان نیستیم. آن شیطان به بهشت راه داشت که آدم را از آن بیرون کرد، شیطان ما از شیطان‌های بسیار انزل است، مگر شیطان بزرگ به ما اعتنا می‌کند؟» (تقریرات فلسفه: ج ۲/۳۶۰)

و در مرقومه‌ای برای فرزند خویش، کبر ابلیس را از سجده بر حضرت آدم، منشا تمام گرفتاری‌های انسان می‌دانند، ضمن آن که به جهاد اکبر که همان مبارزه با نفس است،

اشاره دارند:

«فرزندم، از خودخواهی و خودبینی به در آی که این ارث شیطان است، که به واسطه خودبینی و خودخواهی از امر خدای تعالی به خضوع برای ولی و صفی او جل و علا سرباز زد. و بدان که تمام گرفتاری‌های بنی آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است؛ و شاید آیه شریفه و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ در بعض مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه که شیطان بزرگ و جنود آن، که در تمام اعماق قلوب انسان‌ها شاخه و ریشه دارد، باشد. و هر کس برای رفع فتنه از درون و برون خویش باید مجاهده نماید. و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید همه چیز و همه کس اصلاح می‌شود.» (سر الصلوه: ۲۸)

ایشان در یکی از کتب فلسفی و عرفانی خویش هم شیطان بزرگ را ابلیس ابالسه دانسته‌اند:

«وهم کل»... مایل به شرور و فساد و داعی به اغلوطه و اختلاق است و آن بعینه، حقیقت ابلیس ابالسه و شیطان بزرگ است، که سایر شیاطین و ابالسه از بروزات و مظاهر آن است.» (شرح حدیث جنود عقل و جهل: ۲۴)

و نیز:

«توجه به خود و خودخواهی و پیروی از شهوات و مقاصد حیوانی و تبعیت از شیطان واهمه داخلی و شیطان بزرگ خارجی، بر خلاف فطرت اولیه او است.» (شرح حدیث جنود عقل و جهل: ۳۶۲)

و باز در یکی از سخنرانی‌های عمومی که در ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ انجام شده است، ضمن اشاره به روایاتی که در صفحه پیش آمد، شیطان بزرگ را همان ابلیس می‌خوانند:

«اولی که اسلام بنا شد که تحقق پیدا بکند، شیطان بزرگ رفت و شیاطین را فریاد زد که اگر این اسلام درست بشود، کارها همه لنگ است. حالا هم فریاد بلند شده است... این‌ها شیاطینی هستند که در صدر اسلام هم شیطان بزرگشان فریاد زد و همه را با هم مجتمع کرد، الآن هم می‌خواهند همین کار را بکنند.» (صحیفه امام، ج ۸: ۱۶۳)

از جملات اخلاقی زیر هم، کاملاً مشهود است که نظر امام از شیطان بزرگ همان ابلیس است که معلم نفس آدمی است:

«یکی از کیدهایی که نفس انسانی به انسان می‌کند و شیطان به انسان پیشنهاد می‌کند این است که بگذار برای آخر عمر خودت را اصلاح کن. حالا از جوانی استفاده کن و بعد آخر عمر توبه کن. این یک طرح شیطنت‌آمیز است که نفس انسان می‌کند به تعلیم شیطان بزرگ. انسان تا قوای جوانی‌اش هست و تا روح لطیف جوانی هست و تا ریشه‌های فساد در او کم است، می‌تواند اصلاح کند خودش را. لکن اگر چنانچه ریشه‌های فساد در انسان ریشه‌اش قوی شد، ملکه انسان شد فسادها، آن وقت است

که امکان ندارد.» (صحیفه امام، ج ۸: ۳۰۰)

ایشان در پیام به حجاج هم در شهریور سال ۱۳۶۲ ضمن اشاره به رمی عقبات، جملات زیر را مرقوم داشته‌اند:

«مهدی منتظر، در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین، از کعبه ندا سر می‌دهد و بشریت را به توحید می‌خواند. همه فریادها را از کعبه و مکه سر می‌دهند؛ و ما باید از آن‌ها تبعیت کنیم و ندای توحید کلمه و کلمه توحید را از آن مکان مقدس سر دهیم؛ و با فریادها و دعوت‌ها و تظلم‌ها و افشاگری‌ها و اجتماعات زنده و کوبنده در مجمع مسلمین در مکه مکرمه بت‌ها را بشکنیم؛ و شیاطین را، که در رأس آن‌ها شیطان بزرگ است، در عقبات «رمی» کنیم و طرد نماییم؛ تا حج خلیل الله و حبیب الله و ولی الله، مهدی عزیز، را به جا آورده باشیم.» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۸۷)

شیطان بزرگ، نفس اماره

بر اساس پژوهشی که در مجموعه آثار امام خمینی انجام شد، ایشان در سه جا، نفس اماره را شیطان بزرگ خوانده‌اند، ابتدا در

بیاناتی که به عنوان تفسیر سوره حمد ایراد می‌فرمودند و از سیمای جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸ پخش می‌شد و سپس به صورت کتاب درآمد، در دومین جلسه فرموده‌اند: «مادامی که آن شیطان بزرگ که نفس است، نفس اماره است، مادامی که او هست، هر کاری هم ما انجام بدهیم، روی انانیت انجام می‌دهیم.» (تفسیر سوره حمد: ۱۱۱)

و بار دوم در سخنرانی عمومی که در هفتم اسفند ۱۳۵۹ ایراد شده:

«انسان یک موجودی است که چنان چه مهار نشود و سر خود بار بیاید و یک علف هرزه‌ای باشد و تحت تربیت واقع نشود، هر چه بزرگتر بشود به حسب سال و بلندپایه‌تر بشود به حسب مقام، آن جهات روحی تنزل می‌کند و آن معنویات تحت سلطه شیطان، شیطان بزرگ- که همان شیطان نفس است- واقع می‌شود.» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۱۵۳)

و بالاخره در سخنرانی عید فطر سال ۱۳۶۲ در جمع مسئولین جمهوری اسلامی و مقامات لشکری و کشوری فرموده‌اند:

«از اول انبیا این دو شغل را داشته‌اند، شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس خارج کنند، از اسارت خودش خارج کنند- که شیطان بزرگ است- و مردم و ضعفا را از گیر ستمگران نجات بدهند؛ این دو شغل، شغل انبیاست.» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۵۲۷)

شیطان بزرگ، آمریکا

با برخاستن طوفان انقلاب اسلامی در ایران به رهبری داهیان حضرت امام خمینی،

دولت مستکبر آمریکا تلاش همه جانبه‌ای برای جلوگیری از پیروزی مردم داشت، اما چون در پیش‌بینی‌های تحولات ایران دچار غافلگیری شده بود، تمام تلاش خود و یارانش را انجام داد تا با سوار شدن بر موج تحولات، بتواند طرح‌های خود را هم چنان به اجرا گذارد، ولی وقتی با مقاومت جدی امام و امت روبرو شد، آن‌گاه مبارزه با انقلاب اسلامی را به صورت مستقیم آغاز نمود و در اولین گام علنی، به محمدرضا پهلوی که سال‌ها خیانت و جنایت در حق مردم شریف ایران نموده و سپس متواری شده بود، توسط دولت‌مردان آمریکا - و به بهانه معالجه بیماری، ولی در واقع جهت زیر پر و بال گرفتن دیکتاتور مورد حمایت خویش، و بهره برداری از اموال فراوان مسروقه که توسط او از ایران خارج شده بود- پناهندگی داده شد.

هنگامی که در سیزدهم آبان ماه ۱۳۵۸ سفارتخانه ایالات متحده آمریکا در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام که به پناهندگی شاه به آمریکا اعتراض نموده بودند و طی راهپیمایی خود خواستار استرداد وی به ایران برای محاکمه شده بودند، تسخیر شد، امام خمینی در اولین سخنرانی عمومی خود و برای نخستین بار صفت «شیطان بزرگ» را برای آمریکا به کار بردند و پس از آن بارها و بارها این واژه در همین معنی استفاده شد و در واقع کاربردی بین‌المللی یافت. ایشان در این سخنرانی مهیج بلافاصله پس از ادای بسم‌الله، فرموده‌اند:

«در نظرم است که در یک روایتی است که رسول خدا که مبعوث شد، آن شیطان بزرگ فریاد کرد و شیطان‌ها را دور خودش جمع کرد و اینکه مشکل شد کار بر ما. در این انقلاب، شیطان بزرگ که آمریکاست، شیاطین را با فریاد دور خودش دارد جمع می‌کند. و چه بچه شیطان‌هایی که در ایران هستند و چه شیطان‌هایی که در خارج هستند، جمع کرده است و هیاهو به راه انداخته است.» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۴۸۹)

ایشان در همین سخنرانی و در بخش‌های مختلف آن از شیطان بزرگ یاد می‌کنند و تاکید دارند که منظورشان آمریکا است:

«الآن این بساطی که آمریکا درآورده است و این هیاهویی که این شیطان بزرگ فریاد می‌زند و شیاطین را دور خودش جمع می‌کند، این برای این است که دستش کوتاه شده است. دستش از ذخایر ما؛ از منافی که در اینجا داشت کوتاه شده است. و ترس این را دارد که دیگر تا آخر این کوتاهی باشد، از این جهت توطئه می‌کند.» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۴۹۰)

«امروز خیانت‌های زیرزمینی است. یک توطئه‌های زیرزمینی است که توطئه‌های زیرزمینی در همین سفارتخانه‌ها که هست دارد درست می‌شود، که مهمش و عمده‌اش مال شیطان بزرگ است که آمریکا باشد. و نمی‌شود بنشینید و آن‌ها توطئه‌شان را بکنند.» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۴۹۳)

امام خمینی با به کار بردن این واژه برای آمریکا، در واقع این دولت مستکبر را برابر با ابلیس می‌داند و گاهی هم پیرو آن موجود خبیث:

«این‌ها همه همان شیاطینی هستند که به فریاد کارتر، دور خودش جمع شده‌اند، برای اینکه همان‌طور که آن شیطان بزرگ از قرآن و اسلام می‌ترسید، حالا این‌ها هم از این نهضت - که نهضت اسلامی است - می‌ترسند. و دنبال همان شیطان بزرگ، مشغول شیطنت هستند و تضعیف می‌کنند روحیه ملت ما را. باید ملت ما، جوان‌های برومند ما با کمال قدرت پیش بروند و از این توطئه‌ها اصلاً نترسند.» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۴۹۴)

اعطای این لقب به آمریکا، نه فقط به دلیل پناه دادن به محمدرضا پهلوی است، بلکه به جهت قرن‌ها جنایتی است که به ملل شرق و مسلمین انجام شده است:

«امروز ملت ما مقابل است با قدرت شیطانی بزرگ که در طول سیصد سال این اجانب بر ما ملت‌ها، بر ملت‌های مسلمین، بر ملت‌های شرق حکومت‌های غیر مشروع کرده‌اند و در طول پنجاه سال هم در حکومت این رضا خان و محمد رضا به این ملت با دست آن‌ها ظلم و خیانت کردند. و جنایات آن‌ها اخیراً بالا گرفت. و این جنایات به پشتیبانی از ابرقدرت‌ها، خصوصاً آمریکا بود.» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۱۰۴)

این دولت مستکبر، لقب دیگری هم از امام دریافت داشته است، دیو بزرگ: «توده‌های ملت شریف ما و این قشرهای مختلف، همه با جمهوری اسلامی موافقند و با آمریکا مخالف. لکن با صورت‌های دیگری، با ماسک‌های دیگری، اشخاص در بین آن‌ها نفوذ می‌کنند و آن‌ها را اغفال می‌کنند. و در یک موقعی که باید ما همه با آرامش خاطر روبروی این دیو بزرگ بایستیم، و این شیطان بزرگ؛ منحرف می‌کنند ملت ما را از آن راهی که دارد می‌رود. راه ضلالت پیششان می‌گذارند. همین قدر مقصود این است که ملت را از آن راهی که می‌رفت منحرف کنند تا آمریکا بتواند کارهایش را انجام بدهد.» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۲۱۱)

امام همچون همیشه هوشیار و آگاه است و به مردم آگاهی می‌دهد که از شیطان بزرگ غافل نباشند:

«من به شما ملت شریف ستم‌دیده اخطار می‌کنم جای پای آن شیطان بزرگ و شیاطین دیگر را در سراسر کشور می‌بینم که با نقشه حساب شده همان طرح زمان رضا خان را ریخته و با شیطنت درصدد اجرای آن هستند.» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۱۹۴)

پس از آن که محمدرضا پهلوی، شاه مخلوع ایران ناچار به ترک آمریکا می‌شود، و در حقیقت توسط این دولت به یکی از دست‌نشاندهانش امر می‌شود که او را بپذیرد، امام می‌فرماید:

«ملت بزرگ مصر که از ننگ سادات خیانتکار به تنگ آمده بودند، اکنون مواجه با تحمل ننگ بزرگتری شده‌اند که با دسیسه و توطئه شیطان بزرگ، بر آنان تحمیل

شده است. شیطان بزرگ برای رسیدن به چند سال مسند جنایت، به هر وسیله ممکن دستاویز و به هر نقشه شیطانی متشبث می‌شود؛ محمد رضا را به مصر تحمیل و خود را از آن بی‌خبر معرفی می‌کند. غافل از آنکه ملت‌ها بیدار شده‌اند.» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۱۹)

از نظر امام خمینی، کاربرد سیاسی شیطان بزرگ اصلاً کاربردی داخلی نیست بلکه ایشان در صحنه بین‌المللی هم از آن استفاده می‌کنند به طوری که در پاسخ پیام تبریک شاذلی بن جدید رئیس جمهور انقلابی الجزایر که سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را به امام تبریک گفته است، می‌فرمایند:

«انقلاب عظیم ملت شریف و مبارز ایران، پیامد انقلاب‌های رهایی‌بخش و نهضت‌های اصیل ملت‌های مبارز جهان و بخصوص ملت برادر و قهرمان الجزایر بود که سبب شد تا بزرگترین قدرت‌های شیطانی را از میان بردارند و امید است رهنمودی برای سایر ملل مستضعف و مسلمانان جهان بوده و بتوانند با همبستگی و اتحاد، سلطه همه استعمارگران و بخصوص شیطان بزرگ، آمریکای جهان‌خوار را از سر ملت‌های خود کوتاه نمایند.» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۳۱)

واژه شیطان بزرگ آن چنان جای خود را در فرهنگ انقلاب اسلامی ایران پیدا نمود که دیگر نیازی به ذکر کلمه آمریکا در کنار آن نبود، و امام بارها به این شکل کلمه را به کار بردند. مثلاً پس از حمله هواپیماهای نظامی آمریکا به طبرس و شکست معجزه‌وار آن‌ها فرمودند:

«اکنون که شیطان بزرگ دست به کار احمقانه زده است، ملت شریف و رزمنده ما باید به امر خدای تبارک و تعالی با تمام توان خود و با اتکال به قدرت خدای متعال مهیا شود و آماده نبرد با دشمنان خود گردد.» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۵۶)

هنگامی که صدام در پی فرصتی است که به ایران اسلامی حمله نظامی کند، و هر چند روز یک بار حرکتی انجام می‌دهد، امام بزرگوار، حرکات او را به دلیل دست‌نشانده‌گی به شیطان بزرگ می‌دانند:

«ملت شریف ایران! میهمانان عزیزی که به توطئه آمریکا و دست جنایتکار رژیم منحرف بعث از خانه‌های خود آواره شده‌اند و به ایران با وضع اسفناک فجیعی فرستاده شدند، گرامی دارید. اینان برادران مظلوم شما هستند که بدون هیچ مجوزی و فقط برای ارضای هواهای نفسانی و اطاعت کورکورانه از شیطان بزرگ از خانه‌های خود به دست دژخیمان رژیم بعث آواره شدند. اینان برادران مظلوم ما هستند.» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۳۵)

و پس از آغاز حمله نظامی صدام به ایران اسلامی ضمن پیامی می‌فرمایند: «امثال صدام تبهکار به پیروی از شیطان بزرگ به کشور اسلامی ما هجوم آورده است.»

(صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۴۲)

و نیز:

«این آدمی که در عراق آن همه جور و ستم کرد، برای خاطر به دست آوردن دل قدرت‌های بزرگ، به ایران تجاوز کرد... به حسب واقع برای شیطان بزرگ و برادرهای شیطان بزرگ، آن قدر قتل عام کرده است که قبرستان‌های ایران مضاعف شده است.» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۷۶)

و خلاصه این که امام خمینی علاوه بر جملات فوق، در بسیاری از اطلاعیه‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌های خویش از واژه شیطان بزرگ برای کشور آمریکا استفاده کرده و در کنار آن همکاران غربی و آسیایی آن را شیطان‌های کوچک نامیده‌اند. «خداوند ان شاء الله همه شما را تأیید کند، و همه ما را و همه مسلمین را تأیید کند. و همه را از شر شیطان بزرگ و آن‌هایی که دنباله او هستند حفظ کند.» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۳۵۱)

نتیجه‌گیری

«شیطان» موجود رذل و پستی است که دارای اذنب و یاران فراوانی می‌باشد و خوی استکباری بدترین صفت او است و چون شیاطین می‌توانند از هر جنسی باشند، لذا در میان انسان‌ها و حکومت‌ها نیز «شیاطین» به وفور وجود دارند که به انسان‌های دیگر و مردم سرزمین خویش یا مردمان سرزمین‌های دیگر کبر می‌ورزند و تلاش می‌کنند پیوسته آنان را در زیر یوغ جهل و نادانی و ستم خویش نگه دارند. تمامی شیاطین در یک رابطه از هم ناگسیخته، از «شیطان بزرگ» پیروی می‌کنند و تابع فرامین او هستند، اما شیطان بزرگ کیست؟

از بررسی نوشته‌ها و گفته‌های امام خمینی، از نجف تا قم و از قم تا جماران، یعنی با مطالعه نامه‌ها، تقریرات درس، پاسخ به سران بعضی از حکومت‌ها، احکام، و به ویژه سخنرانی برای عموم مردم و نیز در کتب علمی ایشان، مشخص می‌شود که شیطان بزرگ در سه موضع به کار رفته است:

۱. اگر صحبت از مسائل اعتقادی و کلامی باشد، شیطان بزرگ همان ابلیس است که از فرمان الهی برای سجده بر حضرت آدم علیه‌السلام استنکاف نمود و پس از اخراج از درگاه الهی، سوگند یاد نمود که انسان را از مسیر هدایت به سوی گمراهی و معصیت رهنمون باشد.

۲. اگر مسائل اخلاقی و تهذیب نفس مطرح باشد، شیطان بزرگ نفس اماره است که در درون انسان برای بیراهه بردن او و سوق به گناه تلاش می‌کند.

۳. و اما آنجا که مسائل حکومتی و سیاسی و دفاع از مظلومان جهان طرح می‌شود، بدون تردید مراد امام خمینی از شیطان بزرگ حکومت جهان خوار آمریکا است و در این مورد از سال ۱۳۵۸ تا آخرین سخنرانی‌های خویش تصریح و تأکید دارند. و این واژه در معنای سوم بسیار بیشتر از معانی اول و دوم در فرمایشات ایشان وجود دارد.

منابع

- قرآن مجید
 امام علی، ۱۳۶۶، غررالحکم و دررالکلم، گردآورنده: عبدالواحد تمیمی آمدی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۰، تفسیر سوره حمد، چاپ پنجم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 _____، ۱۳۸۰، سر الصلوه معراج السالکین و صلوه العارفین، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 _____، ۱۳۸۵، تقریرات فلسفه - شرح منظومه، عبدالغنی اردبیلی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 _____، ۱۳۷۸، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 _____، ۱۳۷۹، صحیفه امام، چاپ سوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 حسینی تهرانی، محمدحسین، ۱۳۸۵، معادشناسی، مشهد، نشر علامه طباطبائی.
 دیلمی، حسن بن محمد، ۱۳۷۶، ارشاد القلوب، تصحیح و پاورقی: شعرانی، ابوالحسن، قم، ناصر.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۹۲، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح ندیم مرعشلی، بیروت، دارالکتب العربی.
 شبستری، غلامحسین، ۱۳۷۴، اعلام القرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
 فخر رازی، ۱۳۸۵، تفسیر کبیر مفاتیح‌الغیب، تهران، اساطیر.
 مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 محمدی، منوچهر، ۱۳۸۶، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.